آینه

داستان قطار انقلاب

● **عبدالله گنجی:** درخصوص روحانی که امروز خود را جدا از صف پیاده‌کنندگان القا می‌کند باید گفت ایشان فراتر از پیاده‌کردن که دنبال حذف فیزیکی و اعدام بود و در اوج بحران و تجزیه‌طلبی، درخواست اعدام ارتشیان را داشت که با مخالفت جدی مردی مواجه شد (شهید چمران) که خود را «خدای عشق و پرستش می‌دانست.» داستان عجیبی است! متقاضیان اعدام که باتری خلخالی را شارژ می‌کردند، امروز به پیاده‌کنندگان خیالی از قطار انقلاب حمله می‌کنند. گلایه روحانی از پیاده‌کردن همانقدر چندش‌آور است که هادی غفاری و خلخالی اصلاح‌طلب باشند و سخنان گل‌وبلبلی آنان را در رسانه کار کنیم و اما بعد... حضرت امام پاسخ پیاده‌شدگان از قطار انقلاب را قبلا داده‌اند و روحانی از ما بهتر می‌داند اما «دین سیاسی» حکم می‌کند که نظام را در موضع بدهکار قرار دهند. کروبی را بنگرید! سال ۱۳۸۴ می‌گفت یک چرت زدم و بیدار شدم دیگری رئیس‌جمهور شد و تقلب شده است. سال ۱۳۸۸ می‌گفت چطور ۱۳۸۴ حدود پنج میلیون رأی آوردم و اکنون ۳۰۰ هزار؟ باز تقلب شده است. واقعا نظام با این جماعت چه باید بکند؟ حضرت امام درباره پیاده‌شدگان از قطار انقلاب می‌فرمایند: «امروز هیچ تأسفی نمی‌خوریم که آنان در کنار ما نیستند چراکه از اول هم نبوده‌اند. انقلاب به هیچ گروهی بدهکاری ندارد. ما هنوز هم چوب اعتمادهای فراوان خود به گروه‌ها و لیبرال‌ها را می‌خوریم.»... نگارنده از مواضع امروز و دوران انتخابات ریاست‌جمهوری دکتر روحانی به این باور رسیده است که مخاطب برخی از این عبارات امام(ره) خود روحانی است. جناب روحانی لطفا امام را محاکمه کنید.

علی کریمی از حمایت مطلق من برخوردار است

● **گفت‌وگو با برانکو ایوانکوویچ:** علی کریمی بازیکن من بوده و همیشه عزیز و گرامی باقی خواهد ماند. زیباترین خاطرات را از او و نسل طلایی ایران دارم. نمی‌دانم ریشه مشکلات کجاست اما به‌طورحتم کریمی از حمایت مطلق من برخوردار است. تأکید می‌کنم که نمی‌دانم ریشه مشکلات کجاست اما علی کریمی شخص محترم و باشخصیتی است. افتخار می‌کنم که او بازیکن من بوده و درحال‌حاضر نیز برای دوستی با او به خودم می‌بالم.

بازتولید نفاق زیر پرچم اصلاح‌طلبی

● **محمدکاظم انبارلویی:** زمانی یک جماعت به دروغ پرچم اصلاحات را بر دوش گرفتند و به این بهانه فریبکارانه در برابر انقلاب و نظام صف‌آرایی کردند. هرچه از آنان خواسته شد اصلاحات را تعریف کنید، به بیراهه‌گویی افتادند و زبان به پاسخ‌گویی این کجراهه نگشودند. در عمل به وادی‌ای افتادند که معلوم شد این مسیر، مسیر افساد است نه اصلاح! کسانی که انقلاب را با تکیه بر تئوری‌های پوپر نفی می‌کردند، دنبال انقلابی بودند که افکار پوسیده مدرنیته و دموکراسی لیبرال را با مارک اصلاح به جامعه انقلابی ما قالب کنند. الگوی آنها ارزش‌های مدرنیته، آن هم از نوع منحط آن، به‌ویژه قرائت کثیف و غلط از مفهوم آزادی و در نهایت مدل تحریف‌شده‌ای از دموکراسی لیبرال بود که بزرگ‌ترین مشخصه آن بازگشت استبداد و استعمار و تداوم سلطه دولت‌های غربی و بخصوص آمریکا بود. حال همین جماعت، شیپور گفت‌وگوی ملی را به صدا درآورده‌اند بی‌آنکه بگویند گفت‌وگو، در مورد چه، برای چی و...؟ یکی از همین جماعت نیست بلند شود و صادقانه به اهل همین فراخوان بگوید اگر ما اهل گفت‌وگو هستیم چرا در دو فتنه ۷۸ و ۸۸ تا سرحد محاربه با نظام پیش رفتیم و باب هر گفت‌وگویی را در سطح ملی در چارچوب قانون اساسی بستیم؟

همه‌پرسی؛ بحث روز محافل سیاسی

● **اسماعیل گرامی‌مقدم:** درواقع به نظرم همه‌پرسی می‌تواند فصل‌الخطاب اختلافات قانونی در کشور باشد. گاهی هم برای حل اختلافات می‌توان به رهبری مراجعه کرد اما وقتی در حل موضوعی اختلاف دامنه‌دار شد، برای جلوگیری از کشمکش می‌توان به رفراندوم مراجعه کرد. به نظر می‌رسد ارجاع اختلافات اساسی به همه‌پرسی، نظام‌های سیاسی کمترین آسیب را خواهند دید. چون به خودی‌خود علاوه‌بر دورکردن کشور از اختلاف باعث انسجام ملی در کشور می‌شود.

امیر محبیان: اول باید ببینیم که منظور از به‌کارگیری این واژه در سخنرانی آقای روحانی چیست... رفراندوم ابزاری نیست که دائم بتوان از آن استفاده کرد. ساختار کشور به‌گونه‌ای است که از لحاظ قانونی دارای تعریف و قاعده است. همه‌پرسی به این معنی می‌تواند باشد که به نقطه‌ای از یک موضوع رسیده‌ایم که مردم باید هزینه آن تغییر یا خواسته را با رأی خودشان برعهده بگیرند و به‌واسطه این همه‌پرسی این عمل انجام شود.... اینکه ما همه‌پرسی را به‌عنوان ابزاری بدانیم که هروقت خواستیم بتوانیم به آن دست بزنیم شدنی نیست.

politics@sharghdaily.ir

خطیب تازه نماز جمعه‌های تهران

نماز جمعه این هفته پایتخت به امامت حجت‌الاسلام ابوترابی‌فرد اقامه می‌شود

شرق: اگر تهران باشم، این هفته به نماز جمعه خواهم رفت. ان‌شاءالله. این را حسام‌الدین آشنا نوشته، مشاور رسانه‌ای رئیس‌جمهوری؛ او که هرازچندگاهی در توییت‌هایش یا کنایه می‌زند یا موضع‌گیری‌های سیاسی می‌کند. گاهی تند و گاهی کند؛ اما جمله کوتاه «این هفته به نماز جمعه خواهم رفت» آشنا به یک انتصاب تازه بازمی‌گردد. نماز جمعه این هفته تهران به امامت حجت‌الاسلام ابوترابی‌فرد اقامه خواهد شد؛ اصولگرای میانه‌روی مجالس ایران. روز گذشته خبر آمد «با دستور رهبر انقلاب حجت‌الاسلام ابوترابی‌فرد نماز جمعه این هفته تهران را اقامه خواهد کرد».ابوترابی‌فرد در مجلس نهم در جمع یاران علی لاریجانی حضور داشت و در نبود او ریاست جلسه‌ها را عهده‌دار بود. حضور او به‌ویژه در دوره یکه‌تازی جبهه پایداری‌ها و تلاش همه‌جانبه برای به‌سرانجام نرسیدن برجام قابل‌تأمل و راهگشا بود.تهران چند امام جمعه موقت دارد و مقام معظم رهبری، امام جمعه دائم پایتخت به شمار می‌آیند. احمدخاتمی، امامی‌کاشانی، جنتی، موحدی‌کرمانی و صدیقی، امام‌جمعه‌های موقت تهران به شمار می‌آیند و حالا به دنبال این انتصاب، تهران یک خطیب دیگر دارد؛ حجت‌الاسلام ابوترابی‌فرد، نایب‌رئیس مجلس نهم.سیدمحمدحسن ابوترابی‌فرد متولد ۱۳۳۲ در قم است. او نایب‌رئیس اول مجلس شورای اسلامی در دوره نهم بود. ابوترابی‌فرد در ششمین، هفتمین و هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی نماینده مردم قزوین و آبیک بود و در نهمین دوره نیز نمایندگی مردم تهران، ری، شمیرانات و اسلامشهر را بر عهده داشت. او مانند سایر افراد فهرست اصولگرایان موفق به اخذ آرای کافی مردم تهران در انتخابات مجلس دهم نشد.ابوترابی‌فرد تحصیلات حوزوی خود را (۱۳۴۴) در نجف آغاز کرد سپس در تهران تا سال ۱۳۵۶ نزد استادانی مانند مجتبی تهرانی، تنکابنی، فلسفی و مجتهدی تا مرتبه خارج فقه و اصول ادامه داد. سپس در قم درس خارج فقه را نزد استادانی مانند هاشم آملی، فاضل‌لنکرانی و به‌طور خاص آیت‌الله بهجت فراگرفت و هم‌زمان وارد مؤسسه در راه حق شد و از درس مصباح‌یزدی و مظاهری استفاده کرد. او سال ۹۲ برای انتخابات ریاست‌جمهوری اعلام کاندیداتوری کرد، اما پیش از آغاز رقابت‌ها انصراف داد.

۸ سال پس از مناظره احمدی‌نژاد و موسوی

پسر ناطق به ضرغامی پاسخ داد

شایسته بود در آن روزهای سرنوشت‌ساز، به انصاف و مروت عمل می‌کردند

عکس: جام جم

شرق: «به ایشان توصیه می‌کنم اگر هوس خدمت به عنوان رئیس دولت سیزدهم را دارند، مراقب باشند که از الان به نحسی سیزده دچار نشوند». این کنایه دیروز مصطفی ناطق‌نوری بود به عزت‌الله ضرغامی، رئیس اسبق صداوسیما که این روزها شائبه ورودش به انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ زیاد شنیده می‌شود. فرزند علی‌اکبر ناطق‌نوری دیروز به سخنان ضرغامی درباره رخدادهای سال ۸۸ و عملکرد صداوسیما واکنش نشان داده است. رئیس اسبق صداوسیما هفته پیش به جد از عملکردش در ممانعت از حضور ناطق‌نوری و هاشمی رفسنجانی در صداوسیما، برای دفاع از خود، بعد از رخدادهای ۸۸ دفاع کرده بود.

محمود احمدی‌نژاد در مناظره‌های انتخاباتی سال ۸۸ می‌خواست رقیب را به هر شکل از میدان به در کند به همین دلیل به ماجرایی ورود کرد که بعد از هشت سال هنوز پس‌لرزه‌هایش ادامه دارد. وقتی که در آن مناظره معروف، از سوی میرحسین موسوی متهم به زیرپاگذاشتن قانون شده بود، گفت: «بی‌قانونی در ثروتمندشدن فرزندان بعضی از کسانی است که در انتخابات از آقای موسوی حمایت می‌کنند. پسر آقای ناطق‌نوری چگونه میلیاردر شده و خود او چگونه زندگی می‌کند». مشخص بود که نحوه ثروتمندشدن فرزندان ناطق‌نوری ربطی به میرحسین موسوی که ۲۰ سال از همه مسندها به دور بوده، ندارد. احمدی‌نژاد اگر واقعا می‌خواست علیه فساد مبارزه کند مسیرش چیز دیگری بود اما آن شب و آن لحظه می‌خواست زمین وآسمان را به هم ببافد تا رقیب را زمین بزند. آن سخنان و حملاتش اگرچه در کوتاه‌مدت به‌نفع جریان اصولگرایی تمام شد، اما در بلندمدت چهره‌های اصیل‌شان را کنار زد. علی‌اکبر ناطق‌نوری می‌خواست به صداوسیما بیاید تا پاسخ احمدی‌نژاد را بدهد. جریان اصولگرایی اما نفع کوتاه‌مدت خود را می‌دید و به او اجازه نداد. ناطق‌نوری هم قهر کرد و خود را کنار کشید. هم از جامعه روحانیت مبارز و هم از همه فعل و انفعالات سیاست، به‌ویژه سیاست اصولگرایان. آن هم درحالی که او درست چهار سال پیش از آن رئیس شورای هماهنگی نیروهای انقلاب بود.

ضرغامی هفته پیش و در پاسخ به این سؤال که چرا هاشمی و ناطق‌نوری امکان و اجازه حضور در صداوسیما را پیدا نکردند تا به اتهاماتی که احمدی‌نژاد علیه آنها در مناظره‌ها طرح کرده بود، پاسخ دهند، به «شرق» گفته بود: «براساس مصوبات کمیسیون تبلیغات، تنها نامزدهای انتخابات حق پاسخ‌گویی موارد اتهامی در مناظره‌ها را داشتند و ما دقیقا براساس قانون عمل کردیم. من دراین‌باره بارها با آقای ناطق صحبت کردم. خیلی تماس گرفتم و گفتم تلویزیون در اختیار شماست. بیایید سخنرانی کنید، اما ایشان خودشان در شرایطی بودند که نمی‌آمدند. حتی من گفتم در مراسم احیا شرکت کنید، ما پخش می‌کنیم، اما باز هم نمی‌رفتند. اصلا در فضاهای عمومی نمی‌رفتند. لازم نبود من بگویم که مردم منتظر باشید آقای ناطق می‌خواهد بیاید درباره پسرش توضیح بدهد؛ چون این خودش ضد تبلیغ بود».

وجدان آرام‌تری داشتید

مصطفی ناطق‌نوری اما به جماران گفته است: «ای کاش جناب آقای ضرغامی، سابقه درخشان‌تری از خود باقی گذاشته بود که اگر چنین می‌شد شاید امروز وجدان آرام‌تری داشت. ایشان فرموده‌اند، دقیقا براساس قانون عمل کرده‌اند، اولا ای کاش روشن می‌کردند دقیقا کدام قانون مراد ایشان بوده است؟! و باید دید که به جز ایشان چه فرد دیگری این مطلب را می‌پذیرد! باوجود درخواست کتبی اینجانب به تاریخ پانزدهم خرداد ۸۸ که هم از طریق فاکس و هم به‌صورت دستی خدمت ایشان تقدیم شد (از طریق گوگل هم این روزها قابل جست‌وجو است) و همچنین تماس‌های مکرر با ایشان و همکارانشان، به هیچ عنوان فرصت پاسخ‌گویی به تهمت‌های آقای احمدی‌نژاد در اختیار ما قرار نگرفت! توقع این بود که به اصل ۱۷۵ قانون اساسی احترام می‌گذاشتند. آقایان وظیفه داشتند قانون اساسنامه سازمان صداوسیما، ناظر به حق دفاع از مظلوم را مبنای عمل قرار می‌دادند. انتظار این بود که اصول اخلاقی جامعه را بزرگ بشمارند و اجازه قربانی‌شدن آنها را به کسی ندهند».

ضرغامی همچنین گفته بود: «ما صد برنامه دیگر می‌توانستیم ترتیب بدهیم که آقای ناطق بیاید صحبت کند. حتی بعد برای ۲۵ بهمن خودم به آقای ناطق گفتم حتما شما مصاحبه کنید که اتفاقا آمدند مصاحبه هم کردند؛» اما فرزند ناطق گفته است: «صدر و ذیل فرمایشات آقای ضرغامی با هم تضاد دارد. انتظار ما روشن بود! شایسته بود که در آن روزهای سرنوشت‌ساز، به انصاف و مروت عمل می‌کردند و یکی از (به قول خود آقای ضرغامی) صد برنامه‌ای را که الان به برکت قدرت تخیل در ذهن می‌پرورانند، در اختیار مظلومان آن ظلم بزرگ قرار می‌دادند تا از این رهگذر وجهه‌ای از انصاف به نمایش درآید، چه بسا همین اقدام نقطه روشنی می‌شد برای خروج از آن فضای به‌شدت سنگین، یک‌طرفه و ظالمانه».

نکته جالب اینکه در همان مناظره هم میرحسین موسوی خطاب به احمدی‌نژاد گفته بود: «این جرم است ما اینجا نام ببریم بدون اینکه قدرت دفاع از خودشان را داشته باشند. شما افرادی را مورد حمله قرار می‌دهید که دراین صحنه حضور ندارند و آن را قاطی سرنوشت بنده می‌کنید، ظاهرا چیزی از بنده نداشتید که آمدید حالا من را وصل کردید به دو دولت قبل. من بدون اینکه بخواهم از آنها دفاع بکنم واقعا به آنها حق می‌دهم که از دست شما عصبانی باشند؛ مردمی که این صحنه را نگاه می‌کنند این را نپذیرند از رئیس‌جمهورشان... در جایی که نمی‌توانند از خودشان دفاع بکنند در یک جمع ۵۰ میلیونی که حداقل امروز مردم دارند این صحنه را نگاه می‌کنند شما متهم می‌کنید، اسم خانواده‌شان را می‌برید، بچه‌هایشان را نام می‌برید، کسان دیگری را نام می‌برید...».

واکنش علم‌الهدی به اتهام نقش‌داشتنش در رخدادهای اعتراضی اخیر:

اگر ما می‌خواستیم سروصدا راه بیندازیم، توان مدیریتش را هم داشتیم

شرق: سیداحمد علم‌الهدی امام‌جمعه مشهد که در واکنش به متهم‌شدن به نقش‌داشتن در اعتراضات اخیر به شورای عالی امنیت ملی نامه نوشته و گفته بود که آن روز اصلا مشهد نبوده، بلکه سبزوار بوده است، دیروز هم در دفاع از خود با خبرگزاری فارس مصاحبه کرده است. او با اشاره به ناآرامی‌های مشهد و برخی ادعاها مبنی بر اینکه اعتراضات صورت‌گرفته به دلیل اظهارات وی بوده، گفته است: «ربط‌دادن این وقایع به من یک تهمت و سوءاستفاده از سوی دشمن است. در وهله اول جریانی به دنبال این بود که فرد یا افرادی را به‌عنوان مسئول این اتفاقات معرفی و بدین‌وسیله کم‌کاری‌های خودشان را توجیه کند».

علم‌الهدی در همین گفت‌وگو گفته است: «مردم به دلیل وجود نارسایی و مشکل تحریک می‌شوند نه سخنان بنده». او مشابه همین سخن را یک روز بعد از آن اعتراضات هم گفته بود و همین باعث شد این گمانه تقویت شود که امام‌جمعه مشهد پشت اعتراضات قرار دارد و از آن حمایت می‌کند. او آن روز گفته بود: «مردم حق دارند حل‌شدن مشکلات معیشتی خود را مطالبه کنند و باید مسئولان نیز برای حل مشکلات آنها از قبیل مسکن و گرانی کار کنند. نباید شرایط به‌گونه‌ای باشد که کارد به استخوان مردم برسد و برای گفتن مشکلات خود وسط خیابان بیایند. متأسفانه امروز برخی مدیران و مسئولان در دستگاه‌های اجرائی حضور دارند که به فکر مشکلات مردم نیستند».

علم‌الهدی دیروز هم گفته است: «در دورانی که مسئله برجام مطرح شد و مذاکرات در جریان بود، مقام معظم رهبری فرمودند ما اجازه نمی‌دهیم این قرارداد باعث سلطه استکبار بر ما شود؛ بر همین اساس دوستان ما تجمعی را با عنوان «اجازه نمی‌دهیم» راه‌اندازی کردند که از ابتدا تا انتهای مراسم حرمت دولت حفظ شد و به کسی توهین نشد و این تجمع ۳۰هزارنفری در اوج آرامش برقرار شد؛ پس اگر ما می‌خواستیم سروصدا راه بیندازیم، توان مدیریتش را هم داشتیم و طرح این سخنان معقول نیست».

اعتراضات مشهد به روایت علم‌الهدی

او در ادامه گفته است: «اصل اتفاقاتی که در مشهد رخ داد، مبتنی بر سوءاستفاده بود چراکه مردم مشکلاتی داشتند اما جریان فراخوانی که مردم را به صحنه آورد، جریان دشمن بود».امام‌جمعه مشهد در پاسخ به این سؤال که برخی معتقدند شما که در زمان فعلی برای مردم حق اعتراض قائل هستید، چرا سابق بر این درخصوص گرانی‌ها و مشکلات اقتصادی موضع‌گیری نکردید، هیچ پاسخ روشنی نداده و صرفا گفته است: «همین حرف نیز متأسفانه ریشه در غرض‌ورزی برخی افراد یا گروه‌هایی دارد که به طرح این مطلب می‌پردازند».امام‌جمعه مشهد گفته است: «در رابطه با وقایع مشهد حدود ۸۵۰ نفر بازداشت شدند که تعداد بسیاری از آنها بی‌انگیزه بودند و سرشاخه‌ها حدود ۴۰،۵۰ نفر بودند، بنابراین وجود این اقلیت در نظام ۴۰ساله امری طبیعی است و نمی‌توان آنها را معیار یک ملت ۸۰میلیونی انقلابی دانست».سیداحمد علم‌الهدی پیش‌تر و در واکنش به نقش‌داشتن در آغاز اعتراضات گلایه کرده بود که مشهد در سبیل قرار گرفته و به‌عنوان یک پایگاه مقدس دینی سرکوب می‌شود. در ماجرای اعتراضات اخیر هم دامنه شایعات و گفته‌های تلویحی یا غیرصریح درباره نقش امام‌جمعه مشهد در آغاز اعتراضات آن‌قدر زیاد شد که حجت‌الاسلام احمد علم‌الهدی را وادار به نامه‌نگاری با شورای عالی امنیت ملی کرد. همان نهادی که شایعه شده بود امام‌جمعه مشهد را احضار کرده است. علم‌الهدی در نامه خود نوشته بود: «مدتی بعد از تجمع اعتراض‌آمیز تنی چند از مردم در هفت دی‌ماه ۹۶ در میدان شهدای شهر مقدس مشهد و اغتشاشات در قالب آن از بعضی دهان‌ها که بعضا افراد مسئول در نظام هستند، اتهاماتی مبنی‌بر نقش اینجانب در این ماجرا اظهار شد... برخی شخصیت‌های سیاسی با سکنا در فضای رقابت‌های انتخاباتی تلاش می‌کنند این‌طور القا کنند که شروع این تحرکات از مشهد بوده است. درحالی‌که شواهد متعددی وجود دارد که این موج اعتراضات از تهران آغاز شد و اخیرا مقام عالی دادستان کل کشور نیز به آن اذعان نمود. اینجانب در روز این تجمعات در سفر سبزوار بودم و به محض بازگشت با استفسار از استاندار محترم خراسان‌رضوی و مسئولان امنیتی و انتظامی استان گزارش‌هایی را دریافت کردم که کاملا منطبق بر بیانات مقام معظم رهبری در ۱۹ دی بود و برای همه فصل‌الخطاب قرار گرفت». «اسحاق جهانگیری» نخستین کسی بود که بعد از اعتراضات مشهد به پشت پرده آن اشاره کرد و گفت: «مسائل اقتصادی را بهانه کرده‌اند که به نظر می‌آید پشت این قضیه مسئله دیگری باشد که حتما باید شناسایی شود. کسانی که بانی این قضایا در کشور هستند، دود آن به چشم خودشان خواهد رفت. آنها فکر می‌کنند با این کار به دولت آسیب می‌زنند. وقتی جریان اجتماعی راه افتاد و حرکت سیاسی در خیابان اتفاق افتاد، حتما کسانی که آن را شروع کرده‌اند، ادامه‌دهنده و کنترل‌کننده پایان آن نخواهند بود و دیگرانی خواهند بود که بر آن جریان سوار خواهند شد». یکی، دو روز بعد از آغاز اعتراضات از مشهد، برخی گروه‌های تلگرامی به نقل از غلامحسین کرباسچی نوشتند که شورای عالی امنیت ملی، آیت‌الله علم‌الهدی را به دلیل «اقدام پشت پرده او در تجمعات خیابانی مشهد» فراخوانده و «علی شمخانی» (دبیر شورای عالی امنیت ملی) شخصا با لحن شدید به او تذکر داده است؛ اگرچه روابط‌عمومی حزب کارگزاران انتشار این خبر را تکذیب و اعلام کرد: «خبر منتشره صحت نداشته و اصولا جناب آقای غلامحسین کرباسچی کانال تلگرامی شخصی ندارند». «غلامحسین کرباسچی» هم گفت: «این اخبار دروغ است و بنده فاقد کانال تلگرامی هستم». علی مطهری هم دراین‌باره صحبت کرد. او در پاسخ به این پرسش که آیا درست است که امام‌جمعه مشهد در شکل‌گیری اعتراضات نقش داشته، گفته بود: «شخص ایشان را من نمی‌دانم، ولی آن کسانی که در مشهد ابتدا دعوت به تجمع کرده‌اند، یکی «سایت حزب‌الله مشهد» بوده که اینها قبلا کنسولگری عربستان در مشهد را تخریب کرده‌اند و دیگری هم پیروان آقای احمدی‌نژاد بوده‌اند که از طریق فضای مجازی دعوت به تجمع کرده بودند. آقای علم‌الهدی هم در نماز جمعه آن هفته گفته بودند که بخش اولش؛ یعنی اعتراض به گرانی خوب بود، اما بقیه‌اش خوب نبود که البته این حرف خوبی نیست».

ادامه از صفحه اول

«فقر دستمزدی» در ایران

بدیهی است با ملاک‌قراردادن نرخ تورم و افزایش حداقل دستمزد به‌میزان اندکی بیش از نرخ تورم (در خوش‌بینانه‌ترین حالت) نمی‌توان مسئله افول انباشت‌شده و فقیرانه‌شدن دستمزد در ایران را جبران کرد. نکته مهم این است که به‌لحاظ تاریخی تا اواسط دهه ۱۳۷۰، حداقل دستمزد همواره بالاتر از خط فقر بوده است و در برخی سیاست‌گذاری‌های دولت برای حوزه‌های حمایتی نیز فرض بر این بوده که حتی مستمری خانوارهای نیازمند و فقیر نباید کمتر از ۵۰ درصد حداقل دستمزد کارکنان دولت باشد (برای مثال آیین‌نامه تأمین زنان سرپرست خانوار مصوب سال ۱۳۷۱)، اما به‌تدریج نسبت معیشت و حداقل دستمزد از سوی دولت کنار گذاشته شده و نرخ تورم مبنای تصمیم‌گیری قرار گرفته و در اکثر سال‌ها نیز نرخ تورم بیش از افزایش حداقل دستمزدها بوده و در نتیجه در برخی دوره‌های زمانی نیروی کار به‌طور مداوم قدرت خرید خود را از دست داده است.مسئله‌ای که در این رابطه وجود دارد این است که خط فقر در ایران به‌طور رسمی اعلام نمی‌شود. متولی مشخصی برای این موضوع پیش‌بینی نشده، اما به‌موجب ماده «۴» قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، مشارکت در تعیین خط فقر مطلق و نسبی از وظایف وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در حوزه حمایتی است. آخرین گزارش منتشرشده درباره فقر در ایران از سوی یک نهاد رسمی، گزارشی است با عنوان «وضعیت فقر و نابرابری در ایران در دوره ۱۰ساله ۱۳۸۴- ۱۳۹۳» که در اسفند ۱۳۹۴ از سوی معاونت رفاه اجتماعی منتشر شده است. براساس این گزارش، برآورد خط فقر مطلق برای سال ۱۳۹۲ به‌ازای یک خانوار چهار نفره (شامل دو بزرگسال، یک کودک و یک نوجوان)، یک‌میلیون‌و ۱۸۳ هزار تومان در مناطق شهری و ۹۲۰ هزار تومان در مناطق روستایی بوده است. براساس مطالعه‌ای که در سال ۱۳۹۶ در این معاونت انجام شده، خط فقر مطلق سرانه در سال ۱۳۹۵ حدود ۶۰۰ هزار تومان برآورد شده که برای یک خانوار چهار نفره (با احتساب ضریب ۲،۸) حدود یک میلیون و ۶۸۰ هزار تومان است. اینها پایین‌ترین برآوردهای انجام‌شده از خط فقر مطلق در ایران است و پژوهشگران مستقل میزان خط فقر مطلق را تا دو برابر بیشتر برآورد می‌کنند. باوجوداین، با مقایسه همین میزان خط فقر مطلق در این دو سال (یک میلیون و ۱۸۳ هزار تومان برای سال ۹۲ و یک میلیون و ۶۸۰ هزار تومان برای سال ۹۵) با حداقل دستمزد (۴۸۷ هزار تومان در سال ۹۲ و ۸۱۲ هزار تومان در سال ۹۵) می‌توان دریافت که حداقل دستمزد کمتر از نصف خط فقر مطلق است. مسئله دیگری که در زمینه تعیین حداقل دستمزد وجود دارد، سهم هزینه‌های نیروی کار از هزینه‌های تولید است. براساس مطالعه‌ای که در سال ۱۳۹۵ در مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی (وابسته به سازمان تأمین اجتماعی) انجام شده، سهم هزینه نیروی انسانی (شامل دستمزد و بیمه) از هزینه تولید در ایران در یک دهه اخیر روندی کاهشی داشته است. بر پایه این پژوهش، سهم هزینه نیروی انسانی از کل هزینه‌های تولید در سال ۱۳۹۲ در کارگاه‌های بالای ۵۰ نفر نیروی کار، حدود ۴،۶ درصد بوده که در مقایسه با سال ۱۳۸۶ تقریبا به نصف رسیده است. سهم نیروی کار از هزینه‌های تولید در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۶ به‌ترتیب ۱۴،۶ و ۸،۸ درصد بوده است. این روند کاهشی در تمام گروه‌های صنایع به‌جز بازیافت و تولید مبلمان رخ داده است. میزان سهم هزینه نیروی انسانی از هزینه‌های تولید به نوع صنعت بستگی دارد. این سهم در صنایع کاربر بالاتر و در صنایع سرمایه‌بر بسیار پایین است؛ برای مثال در صنایع مربوط به نفت و گاز و پتروشیمی سهم نیروی انسانی از هزینه تولید حدود ۰،۶ درصد است. بیشترین سهم عامل نیروی انسانی از هزینه‌های تولید مربوط به صنایع تولید پوشاک (۲۸،۹ درصد)، بازیافت (۲۸،۶ درصد)، و مبلمان (۱۹،۶ درصد) است.برخی کارفرمایان، بالابودن نرخ بیمه اجباری نیروی کار را یکی از عوامل نامساعدبودن فضای کسب‌وکار در ایران می‌دانند؛ اما این ذهنیت تا چه اندازه با واقعیت منطبق است؟ سهم حق بیمه پرداختی کارفرمایان از هزینه‌های تولید به‌طور میانگین حدود ۰،۷ درصد است، این نسبت در صنایع مختلف بین ۰،۱ تا ۴،۹ درصد متفاوت است. بیشترین میزان سهم حق بیمه پرداختی کارفرمایان از هزینه‌های تولید در تولید پوشاک (۴،۹ درصد) و تولید مبلمان (۳،۶ درصد) است. درواقع، بر اساس این پژوهش می‌توان دریافت که در این زمینه نوعی بدنمایی واقعیت از سوی نیروهای ذی‌نفوذ در میدان سیاست‌گذاری اعمال شده که حاصل آن نوعی انجماد دستمزدی در دو دهه اخیر در ایران و بروز پدیده «شاغلان فقیر» بوده است.در شرایط موجود اقتصاد ایران که دوره بلندمدتی از رکود و تحریم را تجربه کرده، بدیهی است اعمال فشار بر تولیدکنندگان موجه نیست؛ اما باید در نظر داشت سهم نیروی کار در این وضعیت بسیار ناچیزتر از هزینه‌های مربوط به تأمین و تجهیز سرمایه، اعم از نرخ بهره‌های بانکی و تأمین زیرساخت‌ها و هزینه‌های فساد سیستماتیک و بروکراسی و... است. در این وضعیت، اگر راه گفت‌وگوی اجتماعی مسدود شود و به‌تعبیر دسوتو (اقتصاددان پرویی) حباب بلورینی برای حفاظت از گروه‌های فرادست ایجاد شود که دیگر گروه‌ها راهی به آن نداشته باشند، باید منتظر وارفتن هرچه بیشتر تاروپودهای جامعه بود.